

« هر روز ما در جنگ بر کتی داشته ایم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم . ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم ، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم ، ما در جنگ ، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم ... ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم ، ما در جنگ ریشه های انقلاب پربار اسلامی مان را محکم کردیم ... ما در جنگ به مردم جهان و خصوصا مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می توان مبارزه کرد ، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت ، از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.» (منشور روحانیت - اسفند ۶۷)

شاید نبش قبرهایی این چنین ، آن هم در دوره ای که همه بر طبل گفتگو یا مخاصمه می کوبند و درصدد حفظ جایگاه فعلی در نظام بین الملل هستند ، کاری عبث و خنده دار باشد. شاید حتی در برخورد با برخی از نیروهای ارزشی نیز صدور انقلاب و طرح مسئله آن کاری بی فایده جلوه کند چرا که « مگر چیزی از انقلاب برای صادر کردن باقی مانده است؟! ». این مقاله درصدد آن است که با نگاهی دوباره به این آرمان فراموش شده و برقراری نسبت آن با جنگ به ضرورت احیای دوباره آن تأکید نماید.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گره خوردن آن با مفاهیمی چون " استکبار ستیزی " و حمایت از " پابرهنگان " عالم ، امید تازه ای در دل جنبش های اسلامی و آزادی خواه دنیا به وجود آورد . پیدایش یا تحرک دوباره بسیاری از حرکت های اسلامی پس از وقوع انقلاب از جمله حزب الله ، جنبش توحید اسلامی لبنان ، جهاد اسلامی ، حماس ، حزب الدعوه و سازمان پیکار اسلامی عراق ، سازمان الجهاد و جناح اليسار اسلامی در مصر ، جبهه اسلامی در بحرین ، در ابعاد فکری - ایدئولوژیک یا سیاسی - روان شناختی را ، می توان از تأثیرات اولیه انقلاب دانست . پس حداقل تا مقطع چند ماهه پس از پیروزی خواسته یا نخواستار انقلاب اسلامی ایران به صدور اندیشه " ظلم ستیزی " و " استکبار زدایی " پرداخته است بدون دخالت هیچ نهاد یا حکومت یا اندیشه و استراتژی خاص از سوی انقلابیون ایران .

اما بعد از استقرار حکومت در ایران و رسمی شدن آن و پا گرفتن دستگاه دیپلماسی کشور در ارتباط با دیگر کشورها دو تفکر عمده درباره صدور انقلاب پدید آمد . قبل از اشاره به این مسئله باید تذکر داد که تأکیدات مکرر حضرت امام در چند ماهه پس از پیروزی و وارد کردن ادبیات " صدور انقلاب " در جبهه انقلاب از مهمترین دلایل موضع گیری های نیروهای داخل نظام بود.

#### □ صدور انقلاب یک کار نظامی

جنبه نظامی که با حمایت عملی از نهضتها و جنبش های مبارز در کشورهای مختلف - به طور علنی - وارد فاز درگیری مسلحانه می شود . شاید یکی از دلایلی را که می توان برای به فراموشی سپرده شدن صدور انقلاب برشمرد همین نگاه بوده است .

گری سیک که عضو سابق شورای امنیت ملی آمریکا در دوره ریاست جمهوری جerald فورد ، جیمی کارتر و رونالد ریگان بود و کتاب " همه سقوط می کنند : رویارویی تراژیک آمریکا و ایران " را نیز در سال ۱۹۸۵ نوشت ؛ در این باره می گوید که سیاست صدور انقلاب توسط ایران پس از جنگ عراق و ایران از دستور کار استراتژیک « حاکمان تهران » خارج شد . به نظر گری سیک هزینه های فراوان صادرات انقلاب ، علت اصلی این چرخش بود .

سیک می گوید : من فکر می کنم ایده صدور انقلاب هم از منظر عملی بودن اولیه و هم نتیجه عملی ای که بدست داد ، یک شکست کامل بود و هم از این منظر که برای ایران شهرت بسیار بدی بوجود آورد و آن را خطرناک و غیرقابل اعتماد جلوه داد . هیچ کشوری در هیچ زمینه ای حاضر به همکاری با جمهوری اسلامی نبود . ده تا پانزده سال طول کشید که جمهوری اسلامی در نگاهش به ایده صدور انقلاب تجدیدنظر کند "

این تصور و برداشت از صدور انقلاب یک مصادره به مطلوب است برای به فراموشی کشاندن ایده ای که امام آن را مطرح می کرد. گرچه این تصور در اذهان نیروهای انقلابی مبنای عمل در دوره بعد از جنگ نیز شد. اما باید گفت شرایطی مانند آنچه در ابتدای انقلاب اتفاق افتاد، نقش فعال ایران را در این زمینه می طلبیده که شرایط امروزه چنین نیست. تبلیغات وسیع غرب خصوصاً آمریکا در ابتدای انقلاب که ایران را تهدیدی برای کشورهای منطقه معرفی می کرد و اعتمادی که سران این کشورها به دولتمردان آمریکایی داشتند، فضا را برای تشکیل یک اتحاد منطقه ای بسیار تاریک می ساخت. لذا حمایت تند و رسمی جمهوری اسلامی از نهضت‌های جهادی، مناسبترین گزینه پیش روی سیاستمداران انقلاب اسلامی بود. به طور مثال سازمان انقلابی توده های جمهوری اسلامی ایران (ساتجا) به رهبری محمد منتظری در هنگامه دولت مهندس بازرگان که بخشی از عملیات این سازمان در جهت صدور انقلاب و ارسال دلارهای نفتی ایران به لیبی و لبنان بود. یا گروه دیگر سازمان جنبش های آزادیبخش جهان اسلام بود که توسط مهدی هاشمی رهبری می شد، از سوی حکومت حمایت می شدند.

البته این موضع در اول انقلاب مخالفانی نیز داشت. « دولت موقت با استناد به رویه ها و مقررات پذیرفته شده بین المللی تکیه بر صدور انقلاب و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش را مغایر اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها می دانست و معتقد بود به جای تکیه بر صدور انقلاب بهتر است جامعه ای نمونه و الگو بسازیم تا دیگران آن را سرمشق قرار دهند و از آن تقلید کنند. دکتر یزدی وزیر خارجه دولت موقت به صراحت اعلام کرد که: « ما قصد صادر کردن انقلاب خود را نداریم. » و این گفته مغایر نظر صریح رهبر انقلاب بود که اعلام می کردند، « انقلابمان را به تمام دنیا صادر می کنیم. » در این مورد معارضة شدیدی میان شهید محمد منتظری که در این زمینه فعالانه وارد میدان شده و اولین کنگره نهضت‌های آزادیبخش را در ایران تشکیل داده بود - و دولت موقت به وجود آمد.

شاید حالا بتوان دوباره به عبارات حضرت امام بازگشت. وقتی که می فرماید: ما انقلابمان را در جنگ صادر کردیم، یک برداشت از آن نیز می تواند این باشد که آقایان! سیاست ما بعد از جنگ دیگر نمی تواند "حمایت نظام" از گروه های جهادی باشد. چون اولاً با گذشت زمان و افشای سیاست های واقعی آمریکا، اعتماد سران کشورهای منطقه به دولتمردان ایالات متحده کاهش یافته و از طرفی با آشکار شدن حقانیت ایران در جنگ هشت ساله، بی اعتمادی های سابق رو به افول گذاشت. پس دیگر سیاست‌هایی مانند آموزش چریک‌های فلسطینی در اوائل انقلاب در سپاه و ... لازم نمی باشد.

در حقیقت جنگ تحمیلی که در تاریخ انقلاب ها طولانی ترین جنگ بر ضد یک انقلاب محسوب می شود. به دلیل این که جامعه جهانی تحولات آن را دنبال می کند، بستر مناسب و کاملی برای صدور انقلاب است و در این مورد با پایان جنگ می توان گفت، انقلاب اسلامی نسبت به سایر انقلاب‌های جهان در قرن بیستم، شناخته شده ترین آنهاست که در پایداری و دفاع قدرتمندانه موفق می شود صدای خود را به همه جای جهان منعکس کند. اگر یک نیروی ضد غربی از مصر و تونس و شمال آفریقا گرفته تا خاورمیانه و بخش‌های عمده ای از شبه قاره و جنوب شرقی آسیا از اصول انقلاب اسلامی پیروی می کند، می تواند درجه تحقق اصول انقلاب را تعیین کند. امروز این صدور الگوی انقلاب در ابعاد فرهنگی در شرف تکوین است و به قول پرفسور لوی باترا در کتاب «بحران بزرگ دهه ۹۰» بزرگترین رمز سستی و سقوط فرهنگ ماتریالیستی غرب در مقابله با فرهنگ‌های اصیل جهان سومی است که ماجرای سلمان رشدی و فتوای تاریخی امام آغازگر این حرکت اصیل فرهنگی است و چالش با غرب در قالب‌های جدیدی باید شکل بگیرد که در بخش "نگاه فرهنگی به صدور انقلاب" به آن اشاره می کنیم. اما باید دقت کرد؛ گرچه ما بر "اولویت نداشتن" این نگاه به صدور انقلاب در دوره حاضر اشاره کردیم، اما نباید مانند دیگران باب این مطلب را ببندیم.

#### □ صدور انقلاب یک استراتژی فرهنگی

اما نگاه دیگری که در اوایل انقلاب - بنا به اقتضای شور انقلابی موجود - طرفداران کمتری داشت، نگاه فرهنگی به صدور انقلاب بود. گرچه از بیانات حضرت امام در این باره بیشتر تفسیر فرهنگی برداشت می شد. در این نگاه صدور تفکر انقلاب اسلامی عملی می شد و فرهنگ مقابله با ظلم و عربده کشی و مبارزه برای استقلال خواهی و عزت مداری ترویج می گردید. در این مرحله با تبیین پیام حقیقی نهضت ایران و پایه های شکل گیری حکومت اسلامی و اصول سیاست خارجی و داخلی آن، فکر تشکیل جبهه واحد اسلامی و مبارزه هماهنگ برای رهایی از سلطه دولتهای متخاصم باید فراگیر می شد.

در دوران مهندس موسوی در وزارت خارجه بود که به این نگاه بهای بیشتری داده شد. به عنوان مثال فعالیتهای انجمنهای اسلامی در جذب جنبش های دانشجویی جهان اسلام (مراجع کنید به مصاحبه سید عباس نبوی در همین شماره) یا به طور

مصدیقی یکی از اصلی ترین سلاح ها در جهت صدور انقلاب اسلامیم ، توسط همان گروههای نظامی که به آنها اشاره کردیم ، افکار دکتور شریعتی بود . به ویژه دو کتاب او که به دهها زبان جهان ترجمه و به طور رایگان در دسترس همه قرار می گرفت . کتاب « شهادت » و کتاب « پس از شهادت » که نقش بسیار مهمی در ترویج و تشویق مرگ مقدس و شهادت طلبی شیعی اسلامی داشت .

#### □ وضعیت فعلی

اما تقریباً بعد از سال ۶۲ و توجه بیشتر نظام به داخل برای اداره جنگ ، کم کم نگاه های جهانی - آرمانی انقلاب هم در بعد نظامی و هم فرهنگی کاسته شد . اما با توجه به بحثی که درباره جنگ ارائه شد ، جنگ خود به عنوان مصداق اتم اهتمام به صدور انقلاب ، این آرمان را هم چنان زنده نگاه می داشت . اما با پایان یافتن هشت سال دفاع مقدس انتظار می رفت که دستگاه دیپلماسی و فرهنگی کشور یا جنبش دانشجویی حداقل به حفظ دستاوردهای آن در زمینه صدور انقلاب و یا رجعت به آن با دیدگاه فرهنگی ، بپردازد . اما علاوه بر نگاه امام بعد از جنگ ، سه دیدگاه عمده نیز وجود داشته و دارد که شاید چندان با نگاه امام منطبق نبوده و نیست .

در دیدگاه اول ، دولت می بایست سیاست خود را در جهت توسعه داخلی و ارتقاء سطح کیفی دانش و تکنولوژی در قالب نظام عرف بین الملل قرار دهد و از حساسیتهای جهانی پرهیز کند و یا اینکه نظام در دنیا هیچ رسالت جهانی ندارد . در این دیدگاه صدور انقلاب دیگر معنایی نداشته و از آنجایی که با مؤلفه هایی چون ظلم ستیزی و عدالتخواهی ایدئولوژیک اسلامی در تضاد است طبعاً نسبتی با دیدگاه امام ندارد .

در دیدگاه دوم استفاده از توان تسلیحاتی - اطلاعاتی مهمترین راه صدور انقلاب تلقی شده و باقی ماندن در مرزهای ملی نوعی توطئه استعماری شمرده می شود . در این دیدگاه بهبود اوضاع تنها در صورت به خطر انداختن منافع دول استعماری مشروع قلمداد می شود . با توجه به مسائلی که درباره جنگ و علل نامطلوب بودن اتخاذ چنین دیدگاهی در شرایط فعلی ارائه شد و از آنجا که این دیدگاه بوی سلطه گری می دهد و در آن رشد توده های مردم بی اهمیت شمرده می شود ، بنابراین نمی تواند دیدگاه مطابق نظر امام باشد . شاید بتوان این دیدگاه را در بخشی از جبهه حزب الهی ها یافت . کینه های انقلابی ای که خیلی خوش ندارند فرو خورده شوند !

در دیدگاه سوم با نوعی مصلحت اندیشی فرصت طلبانه ، صدور انقلاب وسیله ای برای چانه زنی در سطح منازعات بین المللی تلقی شده و خود فاقد ارزش آرمانی و استراتژیک است . در این دیدگاه که آمیزه ای از دو دیدگاه قبلی است در داخل به نوعی از صدور ارزشهای انقلاب دم می زند و در سطح جهانی بر تفاهم بین المللی تصریح دارد . این دیدگاه نیز از آنجا که نوعی فرصت طلبی در قاموس خود دارد ، مطابق با نظر امام نیست . شاید بتوان گفت امروزه این دیدگاه انفعالی نیز می باشیم . برخی اصولگرایان در دوره انتخابات نهم هم دم از چنین شعاری می زدند .

#### □ امام چه می گفت ؟

اما به طور اجمال دیدگاه مورد قبول حضرت امام را شرح خواهیم داد . آنچه را که ایشان به عنوان موفقیتهای جنگ نام می برد همه صبغه فرهنگی دارند .

آشکار شدن تزویر جهانخواران ، شکستن ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب ، مبارزه علیه ابرقدرتها ، استمرار روح اسلام انقلابی ، پشتیبانی از مستضعفین و ... بنابراین ما چه بخواهیم یا نخواهیم انقلاب در فرآیند جنگ توانسته است تمام این مفاهیم را به دنیا صادر کند . اما به مقطع بعد از جنگ را که ما در آن باید به حفظ و گسترش این دستاورد و ظرفیت به وجود آمده می پرداختیم و نپرداختیم - به علل بی توجهی به این مسئله اشاره خواهد شد .

در این دیدگاه اصل صدور انقلاب یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که حضرت امام آن را تا سطح اهداف غیرقابل تسامح نهضت دینی ارتقاء داده است.

اصلا امام صدور انقلاب را از ملزومات و تبعات ماهیت حکومت دینی عنوان کرده و استمرار و دوام آن را مورد تأکید قرار می دهند: « ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.» در بینش امام هدف از صدور انقلاب افراشتن "پرچم توحید" و "رهایی مستضعفین از چنگال استعمارگر" است. (صحیفه امام - ج ۱۵ و ج ۱۶)

امام صدور انقلاب را صدور فرهنگ و ارزشهای اسلامی از جمله "معنویت" می داند: « ما که می گوئیم می خواهیم انقلابمان را صادر کنیم ... همین معنویتی را که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می خواهیم این را صادر کنیم ... ما می خواهیم این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی مان را به همه ممالک صادر کنیم.» (صحیفه امام، ج ۱۲)

از دیدگاه امام "تبلیغات" مهمترین رکن صدور انقلاب است: « وظیفه خطیر مبلغان در برداشتن حجاب از چهره اسلام می باشد. تقویت و توسعه تبلیغات در خارج از کشور از اهم امور است.» (صحیفه نور - ج ۱۶)

آنچه از گفتار امام در زمینه قالبهای صدور برمی آید حاکی از اهمیت توسعه شبکه های رادیویی و تلویزیونی، وظیفه سفر در تبلیغ اسلام با عمل و اخلاق فردی و اجتماعی، گسترش دیدارهای غیررسمی و مردمی مسئولان در کشورهای خارجی و ... می باشد.

پس در خواهیم یافت که امام حلقه بازیگران ایران عرصه را بسیار گسترده تعریف کرده است. اولاً مخاطبان صدور انقلاب، مردم مستضعف و محروم جهان اند. ثانياً علاوه بر دستگاه دیپلماسی کشور که برای حفظ منافع کشور نیز باید موضعی فعال در قبال جریانهای اسلامی و مبارز داشته باشد، دستگاههای فرهنگی اعم از صدا و سیما، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد و جنبش دانشجویی نیز وظیفه ای خطیر و جدی تر از وزارت خارجه دارند.

تا وقتی که این نگاه فرصت طلبانه و نه استراتژیک به بحث صدور انقلاب وجود داشته باشد، هم چنان باید شاهد فدا شدن « اصول » به نام « مصلحتها » و « منافع ملی » موهوم باشیم.

گرچه در بررسی اجمالی از نوع سیاستهای متخذه توسط نظام در چند سال گذشته در بحث هسته ای و یا حمایت از جریانات اسلامی جهان، منافع ملی ادعایی دستگاه دیپلماسی نیز به دست نیامده است.

اما در سطح حکومتی نمونه های موفق صورت گرفته که نشان از پتانسیل بالای این بخش در ادامه دادن و حفظ دستاوردهای انقلاب بعد از جنگ در دنیا را دارد. شبکه ماهواره ای "العالم" و یا شبکه تلویزیونی "سحر" - فارغ از کیفیت برنامه ها - نشان دادند بستر وسیع و کارآمدی برای نیل به اهداف فوق مهیاست، که قصور نهادهای فرهنگی در این شانزده ساله مانع از استفاده از این ظرفیت نظام شده است.

شاید یکی از علل قصور - علاوه بر عوامل فوق - در این باره زمانی عمل نکردن به این رهنمود باشد: « مسؤولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ع) است ... مسایل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسؤولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطر بزرگ و خیانت سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.»

کارآمدی نسبی نظام در داخل و در عرصه بین المللی و پشتوانه قوی مردمی آن، می تواند تضمین کننده قدرتمندی برای طرح دوباره این آرمان در عرصه جهانی باشد. رهبری در دیدار اخیر با تشکل های دانشجویی فرمودند: « الان ایران

قدرت منطقه ای شده است ، امروز ما در دل ملت‌های اسلامی جا داریم . هویت عظیم بین المللی جمعی زنده ی خسته نشو و متکی به ایمان ما ، امروز می تواند پایه های غلط دستگاههای شیطانی را به چالش بکشد .

امروز دنیا با محوریت جمهوری اسلامی می تواند جلوی جهان غرب بایستد . ما باید « ایستادن امیدوارانه » را صادر کنیم ...  
»

شاید فرصت دیگری دست ندهد که ما آرمانهای فراموش شده را که می توانند ضامن حیات و تداوم انقلاب اسلامی باشند دوباره احیا کنیم . بیش از دولتمردان و حاکمان ، این جنبش دانشجویی است که باید گفتمان صدور انقلاب را در سطح دنیا دوباره مطرح کرده و از ظرفیتهای فرو خفته جنبشهای دانشجویی جهان اسلام برای گسترش اندیشه عدالتخواه و استکبار ستیز انقلاب بهره بگیرد .

پژوهشگر: جمال یزدانی  
ماهنامه هفت قفل  
مرکز اسناد انقلاب اسلامی